



۲۰۱۶/۱۱/۲۱



حمید انوری

زیر دار گریختگی ها خواهان رفتن سرِ دار اند!

"حزب نوین مردم افغانستان" اعلام موجودیت کرد

رهبر "پر آوازه" ای این خیل سرگردان و گم شده در غرقاب نکبت و فلاکت و سیاه روزی، حال که چگونه و در کدام موارد آن به اصطلاح رهبر "پر آوازه" گردید، به همگان چون روز روشن است و ضرورتی به تفصیل و تشریح ندارد، همان "رهبر" باری خطاب به دنباله روان بی مقدار خود چنین داد سخن داده بود: "بیرک کارمل سخت شیفته ای دوستی افغان - شوروی بود. او باری گفت:

"رفقا! باید به صراحت به شما خاطر نشان بسازم: کی کیست؟ چگونه باید شناخت؟ افغان وطن پرست کیست؟

وطن پرست آنتشین، افغان نوین کیست؟ کسی که وفادار به دوستی افغان - شوروی باشد. این ملاک عمل است.

و این ریزه خواران آن حزب مفلوک و منحل بعد از تمام جنایت و وحشتناک و قتل کشتار و تباهی و برپادی یک ملت، همان ریزه خوری های "رهبر پر آوازه" را بار دیگر نشخوار میکنند و باز هم صحبت از "حزب" و "نوین" و "مردم" و "افغانستان" میزنند. به اصطلاح مشهور "همه را مار خورد و ما را بقه کور!"

من یقین دارم که این زیردارگریختگی های مفلوک و بی شرم و حیا که ذره شرم در تمام وجود بی وجود شان، خدای داناست که نیست، همان سخنان سخیف بیرک دربارمل را که در بالا گزارش آن رفت، شاید ده ها بار قلقله



کرده باشند، تا اسمی برای این جمع نامتجانس گویا انتخاب نموده باشند که نه سیخ سوخته باشد و نه هم کباب های خام و گلوگیر آن، که آنهم در یک همه پرسی یک مشت زیردارگریختگی چنین تواند بودی:

پیشنهاد یک: "حزب نوین مردم افغانستان"

پیشنهاد دو: "حزب مردم نوین افغانستان"

پیشنهاد سه: "حزب مردم افغانستان نوین"

پیشنهاد چهار: "حزب افغانستان نوین مردم"

یعنی اینکه همان نشخوار های بیرک را که در مدح دوستی با اربابان روسی خود قلقله کرده بود و عاقبت هم در واپسین دقایق عمر ذلت بارش به آن پی برد، دنباله روان او بار دگر نشخوار میکنند، یعنی هم "حزب" و "افغانستان" و "نوین" را و هم "مردم" را و خود به خوبی میدانند که حتی به یکی از آنها هم اعتقاد ندارند.

و اما نگاهی بیندازیم بر بقیه ماجرا:

کابل (پژواک، ۲۷ عقرب ۹۵): سه نهاد مربوط به احزاب پیشین (خلق) و (وطن) با هم یکجا شده و امروز موجودیت خود را تحت نام (حزب نوین مردم افغانستان) یا حزب نوین مردم افغانستان اعلام کردند. کاش اعلان نمی کردند و آب می شدند و از خجالت به زمین فرو میرفتند، البته آب گند و متعفن ایکه در مُردابی فرو میرود، اما این تخم حرام را ذره خجالت نیست که نیست.

عبدالله نایبی رییس این حزب، امروز در نشست گشایش حزب مذکور گفت که این حزب، از زحمت کشان مربوط چپ گرا، نیروی عدالت و ترقی خواهان دیموکراتیک، نهضت آینده افغانستان و کمیسیون انسجام حزب وطن ساخته شده و دیروز انتخابات نموده است.

عبدالله نایبی که یکی از سرسپردگان رو سیه و کرملین بوده و است، رفقای حزبی و زیردار گریختگی خود را اینگونه تقسیم و ترکه میکند: "زحمت کشان مربوط چپ گرا"، معنی این چرند را خود عبدالله خان هم مطمئناً نمی داند. چپ گرا یعنی اینکه نه چپ اند و نه راست، اما یک گرایش کوچک به "چپ" دارند، البته اینها خود شاید به "چپ" هم چندان گرایشی نداشته باشد، اما به گونه ای مربوط آنها هستند و خود هم نمی دانند که در کجا قرار دارند.

"نیروی عدالت و ترقی خواهان دیموکراتیک"، این یعنی چه؟!

آیا این زیردار گریختگی ها نیروهای را هم سراغ دارند که عدالت و ترقی را خواستار باشند، اما دیموکراتیک نباشد؟

"نهضت آینده افغانستان"، این همان گویا "نهضتی" است که در گذشته نه چندان دور افغانستان را به خاک و خون کشیدند و کشور را یک قرن عقب بردند و از کشته ها پشته ها ساختند و حالا میخوانند "آینده" را چنین کنند. ما را از خیر تان هرگز امیدی نیست، شر مرسانید.

"کمیسیون انسجام حزب وطن"، یعنی اینکه هرچه دزد و غارتگر و جانی و زانی و زیردار گریختگی که از حزب دیموکراتیک خلق در روی کره ارض باقیست، همه را جمع آوری کرده و انسجام بخشند و... غافل از اینکه تاریخ مصرف همه شان دیر زمانست که گذشته است و همه و همه به زباله دانی تاریخ سپرده شده اند، بگذار اتمر های خایست، از رفقای دیروز شان، مشاور امنیتی غنی باشد و مدال به یخن آویزد و... مردم اما پوست هریک از این جانیان قرن را در چرمگری می شناسند.

نایبی افزود: "این حزب به منظوری ایجاد شده تا نیروی زحمت کش، دیموکراتیک، عدالت و ترقی خواه را منسجم و در بازسازی افغانستان اشتراک کنند."

شماها نوکران بی مقدار روس هرگز از بازسازی چیزی در کله های پوک تان نیست، فقط بیشتر از این تخریب نکنید و دست از توطئه و تفتین بردارید.

او گفت حرکتی که آنها آغاز نموده اند، به معنای این نیست که آنها خواهان احیای مجدد حزب دیموکراتیک(خلق) یا حزب(وطن) هستند، بلکه به گفته او، این احزاب بعد از این، بخشی از تاریخ افغانستان است.

خدمت باید عرض کرد که حزب دیموکراتیک خلق(خلق و پرچم) تنها یک بخشی از تاریخ افغانستان نه، بلکه یک بخش سیه و خونین و شرم آور تاریخ پرشکوه افغانستان است.

اما نایبی گفت: "اعضای حزب نوین مردم افغانستان، با بعضی اعضای احزاب دیموکراتیک خلق و وطن، با جوانان امروزی تصمیم گرفته اند که یک سلسله آرمان های حزب دیموکراتیک خلق را که تحقق نیافته، دو باره احیا و عملی کنند."

یک سلسله "آرمان های حزب دیموکراتیک خلق" که طی سالیان کودتا و تجاوز تحقق پذیرفت، کشوری را به خون و آتش کشید و بیشتر از یک و نیم میلیون هموطنان شریف ما را از نعمت حیات محروم ساخت و کشور زیبای ما را به ویرانه مبدل نمود و دمار از روزگار مردم بدر آورد و...، ای بار خدایا!! تو رحم کن!! آن "سلسله" که گویا هنوز تحقق نیافته است و یک مشت بی آرمان تاریخ کشور میخواهند آنرا "دوباره احیا و عملی کنند"، چه خواهد بود؟!

چه نیکو گفته اند: "سالی که نیکوست، از بهارش پیداست".

موصوف به آژانس پژواک گفت: "حکومت افغانستان، شمار زیادی از نهادهای دولتی و احزاب، تا حد بیشتر به منافع افغان ها متعهد می باشند و یک حکومت ائتلافی را ایجاد کرده اند."

این دگر به چه مفهوم تواند بود و چه معجون مرکب است که عبدالله خان نایبی آنرا قفله میکند؟

آیا مگر "نهادهای دولتی" جزء از حکومت نیستند؟

و اما احزاب شامل در حکومت ائتلافی و یا همان "حکومت وحدت ملی" هرگز و هرگز به منافع افغان ها متعهد نبوده و نیستند و فقط در یک معامله شرم آور داد و گرفت مشغول تأمین منافع خود اند، اما عبدالله خان نایبی با چنین چرند گوئی ها در حقیقت با خیل خام خود گویا هم به میخ میکوبد و هم به نعل تا فردا از داد و معامله های سیاسی بیرون گذاشته نشوند.

او افزود که حکومت وحدت ملی، فقط در دست چند فرد محدود قرار دارد و فاقد مدیریت لازم برای پیشرفت جامعه است.

عبدالله خان دانسته یا نادانسته مشغول تناقض گوئی است و آنچه قفله میکند کمی بعدتر آنرا رد میکند. اگر "حکومت افغانستان، شمار زیادی...، تا حد بیشتر به منافع افغان ها متعهد می باشند و...، پس چگونه همین حکومت "فاقد مدیریت لازم برای پیشرفت جامعه است"؟!

رحیمه اسمر مسوول امور زنان این حزب گفت که زنان در افغانستان، با مشکلات زیاد مواجه اند و آنها در نظر دارند که برای احیای حقوق زنان مبارزه نمایند.

خانم "رحیمه اسمر" از روی لطف مسوول امور زنان "حزب" تان باشید که به یقین تعداد شان از تعداد انگشتان یک دست فراتر خواهد رفت و از بازماندگان حزب منحل دیموکراتیک تان هستند، زنان با شهامت و مغرور افغان شماها را به عنوان زنان هرجائی سیاسی می شناسند، هرچند چون مار های زنگی هفتاد بار پوست بیندازید.

وی افزود: "ما در افغانستان در پهلوی مردان زحمت کش، زنان زحمت کش نیز داریم که می توانند باعث پشرفت و رفاه کشور شوند؛ اما متاسفانه که از آنها استفاده نشده است."

مگر رهبران نامرد تان گذاشتند تا زنان زحمت کش افغان در کنار مردان زحمت کش کشور در رفا و پیشرفت کشور قدمی بگذارند؟؟؟

حزب خاین و خونریز و ددمنش تان که همانا "حزب دیموکراتیک خلق" باشد (خلق- پرچم) چنان سرسپرده تجاوزگران روسی بودند که یک شمه آن از دهن کثیف رهبر پلید تان ببرک دربارمل به رنگ زرد در بالا تذکر داده شد و شما ها تفاله خواران آنان هستید.

سلیمان لایق یکی از اعضای سابق حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، در مورد آغاز فعالیت های این حزب، به همه اعضای آن تبریکی داد و گفت که این حزب، خواهد توانست که بقایای احزاب دیموکراتیک خلق و وطن افغانستان را با هم جمع کند.

چه خواب وحشتناکی!! "اشتر در خواب ببند پنبه دانه"!!! شرمت باد ای سلیمان نالایق و ای ریزه خوار هرجانی!!!

او افزود: "اشتباه بزرگ احزاب دیموکراتیک خلق و وطن افغانستان، این بود که آنها به جای کارکردهای ملی، خودخواهی و خودپسندی اختیار کرده اند؛ خواست من از مقامات حزب نوین مردم افغانستان این است که امور و فعالیت های خود را با در نظر داشت وضعیت کنونی افغانستان منسجم کنند تا به اهداف خود برسند."

این نالایق مگر مغز خر خورده است (با عرض معذرت از تمام خران جهان) که از یک حزب میهن فروش و ریزه خوار روس، از یک رژیم کودتائی، از یک مشت افراد فروخته شده و تا گلو در لجن خیانت و جنایت فرو رفته و...، "کار کرد های ملی" می طلبد، در زمان غضب قدرت توسط این حزب و در زمان تجاوز عربان روسیه شوروی به کشور عزیز ما این نالایق در کدام میخ طویله بسته شده بود که کوچکترین صدای اعتراضی از وی برنخاست؟!

ننگ تان باد ای جنایت پیشگان بی آزرم تاریخ!!!

